

در تحول جوامع، فرهنگ، نقش اساسی و تعیین کننده دارد. در عین حال تحول می تواند فرهنگ را متأثر سازد. بنابراین فرهنگ در موفقیت و تداوم تحول، نقشی بی بدیل دارد. از همین رو در تحولاتی که به اقتضای برهه های از تاریخ، ضروری تشخیص داده می شود و در قالب سیاست های کلی و جهت گیری های کلان ارائه می شود، لازم است این تأثیر متقابل مورد توجه جدی قرار گیرد. بایست توجه داشت که مکمل سیاست های کلی؛ همان فرهنگ جامعه در افق زمانی مورد نظر (مثلاً بیست سال بعد) خواهد بود، علاوه بر این پیروی صحیح و مؤثر سیاست های کلی و جهت گیری های کلان مزبور مستلزم مدیریت اجتماعی و هدایت عنصر فرهنگ است و رویکرد صرفاً فنی به تحول، جز شکست ثمری نخواهد داشت. تحقق چشم انداز بلند مدت، مستلزم آن است که عناصر، ساختار، فرایندها، فناوری و فرهنگ با توجه به تأثیر متقابل بر یکدیگر، با محوریت فرهنگ (به لحاظ ذی شعور بودن محمل آن؛ انسان) و در راستای تحقق چشم انداز بلند مدت و استراتژی، و ملهم و مبتنی بر مدل های سنجیده عینیت پذیر و پویا، همسو شوند. در واقع می باید پیکربندی سازمان جامعه، در تمامی ابعاد ساختار، فرایندها، فناوری و فرهنگ، با اهرم کردن فرهنگ، حفظ تناسب و توجه به تعامل میان این ابعاد، در حال تطور و تکامل به سوی چشم انداز باشد و از این روست که امر مهندسی فرهنگی جامعه معنا یافته و در رابطه با تحقق چشم انداز بلند مدت، اقتضای حیاتی می یابد. محمل این امر؛ فرایند نظام مند، برنامه ریزی (آمایشی، کلان، بخشی، منطقه ای، و خرد) و رویکرد مقتضی آن، مهندسی (با خضوع و حفظ وفاداری به تمام معنا، اصول و معیارهای آن) است. شاید یادآوری این نکته خالی از فایده نباشد که فرایند برنامه ریزی، نظام مندی و رویکرد آن خود از ویژگیها و در عین حال از شاخصها و شاخصه های فرهنگی جوامع است. به این ترتیب از مقدمات لازم در لیبک به دعوت مهندسی فرهنگی جامعه، بازنگری و بازمهندسی فرایند و نظام برنامه ریزی کشور است. در آن صورت است

که در پرتو چنین بازمهندسی ای، از دگرگونی در پیکربندی دستگاه برنامه ریزی کشور می توان امید فایده و اثربخشی داشت.

شایسته یادآوری است که دنیای پیچیده و پرتحول امروز ایجاب می کند جوامع از تطبیق پذیری بالا و مداوم برخوردار باشند و این مهم به نوبه خود اقتضا می نماید نقش انسان و تکنولوژی از حالت پشتیبان، به طور مشترک به نقش اساسی و پیش برنده ارتقا یابد. در این صورت مقتضی است، شورای عالی انقلاب فرهنگی در تعامل با مجمع تشخیص مصلحت و بازوهای کارشناسی آن، سیاست های کلی نظام را از لحاظ انجام چنین نقشی برای انسان و تکنولوژی، مورد بازنگری قرار دهد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی با باز مهندسی نظام برنامه ریزی کشور به نحوی که محوریت و نقش اهرمی فرهنگ در آن تعبیه شده باشد، می بایست در متن سیاست های کلی نظام، دست به پردازش چشم انداز فرهنگی کشور زده، معماری و پیکربندی سیستمی جامعه را در تناسب با آن چشم انداز، بازمهندسی نماید عوامل کلیدی موفقیت (و نیز) شکست در جهت تحقق آن چشم انداز را معین سازد، فرایندهای اساسی و فرابخشی ذی ربط با آن عوامل را تعریف کند، تیم های فرابخشی و در عین حال واجدان شرایط را از بخش های مربوط انتخاب و عهده دار بازمهندسی آن فرایندهای اساسی کند. حاصل و برآیند کار آن تیم ها، می بایست در شورا با چارچوب معماری تطبیق یافته و سپس توسط همان تیم ها و با تکمیل آنها توسط تکنولوژیست ها، راه حل های تکنولوژیک پیاده سازی آن فرایندها طرح ریزی شود.

به منظور لیبک به دعوت شورای عالی انقلاب فرهنگی به مهندسی فرهنگی جامعه، شأن و حق مطلب اقتضا می نماید نکات در پی آمده مورد توجه قرار گیرد:

۱. در بررسی فرهنگ، لازم است به تمامی لایه های آن از باورها و ارزشهای بنیادی، آداب، سنن، رسوم، عادات، هنجارها، تا محصولات و مصنوعات فرهنگی توجه شود.

۲. مؤلفه های فرهنگ (جامعه، تکنیک، سلامت، بهداشت، تغذیه، زبان، گردش و گردشگری، اقتصاد، و...) با یکدیگر در تعامل بوده و در جهت سازگاری، یکدیگر را تعدیل نمایند. بنابراین در ارزیابی برنامه های کوتاه مدت، میان مدت، و بلندمدت امور و دستگاه های مختلف، نه تنها می بایست به تغییرات کمی و کیفی مؤلفه های فرهنگی و تناسب و شتاب تغییرات مقتضی چشم انداز توجه شود، بلکه مهم تر از آن بایستی به بررسی میزان سازگاری تغییرات میان مؤلفه ها (که کمیت و شتاب را تحت تأثیر قرار می دهد)، مبادرت کرد. این شیوه ارزیابی با آنچه در وضعیت کنونی در نظام برنامه ریزی کشور متداول و صرفاً بر پیشرفت اهداف بخشی، آن هم جدا از یکدیگر متمرکز بوده و بدون توجه به آثار و ثمرات فرهنگی آنها صورت می پذیرد، متفاوت است. شایسته یادآوری است که اساساً در نظام برنامه ریزی فعلی نگاه به فرهنگ، بخشی و محدود به محصولات فرهنگی و تبلیغات (لایه روین فرهنگ) است. علاوه بر این در نظام مزبور نگاه به فرهنگ چه به عنوان کاتالیزور تحول و چه به عنوان غایت آن و در عین حال تعیین و تضمین کننده تحول پذیری مداوم جامعه، مورد غفلت قرار گرفته است.

۳. تغییرات فرهنگی در سه عرصه آبخور دارد:

— عرصه رسمی

— عرصه غیر رسمی

— عرصه فنی و تکنولوژیک

عرصه رسمی را آموزه های دینی - اخلاقی، آموزش و پرورش، و خانواده تشکیل می دهد. در حالی که عرصه غیر رسمی همان محیط تعاملات اجتماعی، و عرصه فنی محیط تعاملات کاری - حرفه ای و تکنولوژی است. هرگونه ناسازگاری درون این عرصه ها (مثل تعارض میان آموزه ها و هنجارهای مدرسه و خواسته ها و امر و نهی های خانواده، یا عدم انطباق میان گفته و عمل هریک از معلمان و والدین، ویا تعارض ارزشها بین معلمان و

ادامه در صفحه ۳۱



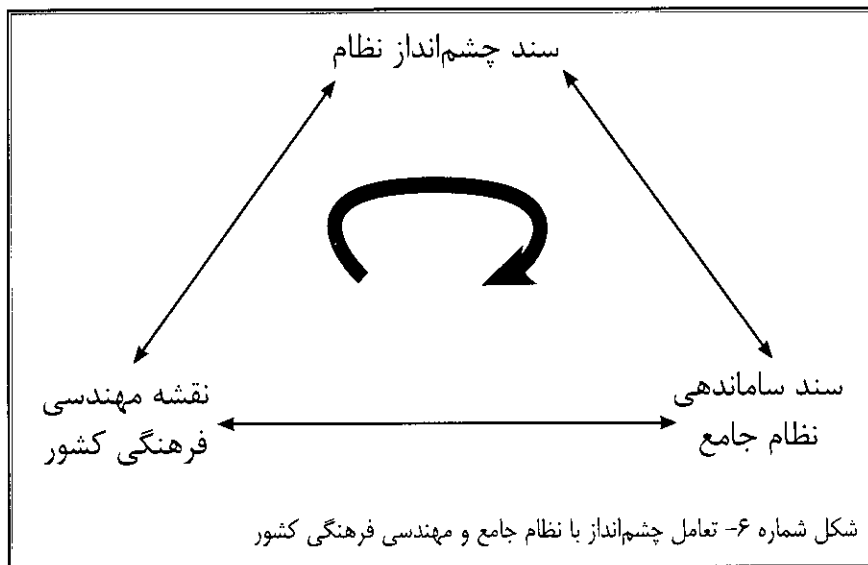
والدین) و ناسازگاری و ناهمسویی میان عرصه‌های مختلف (مدرسه با اجتماع، خانواده با اجتماع و قوانین و مقررات، و مدرسه با تکنولوژی - مثلا در کتاب و کلاس علوم اجتماعی صرفا از آثار سوء تکنولوژی داد سخن برود، در حالی که در محیط کار و حرفه، تأثیرات چشمگیر تکنولوژی را در توسعه رفاه و پیشگیری از آفات اجتماعی و فساد اداری مشاهده شود)، موجب اغتشاش فرهنگی و اختلال در نظام ارزشی شده، شایستگیها و شایسته‌سالاری را مضمحل می‌کند.

۴. در فرایند این عمل خطیر می‌بایست از یک نوع ابتلای ضد ارزش که آقای "کریس آرچریس" استاد دانشگاه هاروارد از آن به عنوان بی‌لیاقتی ماهرانه نام می‌برد پرهیز و مراقبت کرد. این آفت مهلک را نادیده گرفتن و سرپوش گذاردن بر شکاف میان ارزشهای واقعی و رایج و ارزشهای معهود است که همچون ویروس، ارزشهای معهود را مضمحل و نابود می‌کند.

۵. به‌کارگیری عنوان مهندسی در ارتباط با فرهنگ جامعه یک بدعت و ابراز سلیقه نیست، بلکه همان گونه که از مطالب فوق برمی‌آید به لحاظ فراگیر بودن مفهوم فرهنگ و برخورداری آن از ارتباطات پیچیده سیستمی در درون و برون، مدیریت و هدایت فرهنگی جامعه مستلزم تبعیت از اصول و ضوابط مهندسی سیستم‌هاست.

آنچه گفته شد، یک برداشت از مفهوم مهندسی فرهنگی جامعه و مقتضیات آن است. این برعهده مرجع ذی‌صلاح، یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی است که با طرح و انتشار دیدگاههای متفاهم خود از این مفهوم و شأن توجه مؤکد مقام معظم رهبری به این امر، الزامات پرداخت مؤثر به این مهم را فراهم کرده و کلیه آحاد جامعه بویژه محافل آکادمیک را برای هرچه پربارتر این حرکت ترغیب و همراهی کند. ضمنا بایسته است به یک مدلول ضمنی، لیکن بسیار مهم دعوت شورای انقلاب فرهنگی به مهندسی فرهنگی جامعه عنایت ویژه داشت. آنچه می‌تواند نقش شورای مزبور و اثربخشی اقدامات عمدتاً تاکتیکی آن را ارتقا دهد، همانا لیبیک گفتن به این دعوت اساسی است.

منبع: ماهنامه تدبیر شماره ۱۷۴



شکل شماره ۶- تعامل چشم‌انداز با نظام جامع و مهندسی فرهنگی کشور

عالی انقلاب فرهنگی کمیسیون فرهنگی.

۱۰. اعرابی، سید محمد. (۱۳۸۵). مدیریت استراتژیک

تغییر. مرکز راهبردی سیاه

۱۱. اسکات، ریچارد (۱۳۷۴). سازمان‌ها؛ سیستم‌های

عقلایی، طبیعی و باز. ترجمه حسن میرزایی اهرنجانی

و فلورا سلطانی. انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه

تهران.

۱۲. غفاریان، وفا و کیانی، غلامرضا (۱۳۸۴). استراتژی

اتریخش. چاپ سوم. انتشارات فرا.

۱۳. غفاریان، وفا و عمادزاده، مرتضی (۱۳۸۳).

معانی نو ظهور در مفهوم استراتژی. سازمان مدیریت

صنعتی.

۱۴. شاین، ادگار (۱۳۸۳). مدیریت فرهنگ سازمانی

و رهبری. ترجمه: برزو فرهی و شمس‌الدین نوری

نجفی. انتشارات سیمای جوان.

۱۵. باقریان، محمد. (۱۳۸۲). مدیریت راهبردی

با رویکرد بومی. انتشارات مرکز آموزش مدیریت

دولتی.

16. Schein, Edgar (1992) - *Orga-*

*nization Culture and Leadership.*

Jossey Bass.

17. Karahanna, Elena, Evaristo,

Roberto Syite, Mark (2005). *Level*

*of culture: individual Behavior: an*

*integrative perspective. Journal of*

*Global information Management.*

13(2) 1-20 April - June.

18. Nanus, Burt (1992). *Visionary*

*Leadership: creating a compelling*

*Sense of Direction for Your Orga-*

*nization. San Francisco. Jossey -*

*Bass.*

۱. رضایی، محسن (۱۳۸۴). چشم‌انداز ایران فردا، انتشارات اندیکا.

۲. نی‌نوس، برت. (۱۳۷۷). رهبری بصیر. ترجمه: محمد ازگلی و برزو فرهی، انتشارات دانشگاه امام حسین(ع).

۳. رضائیان، علی، (۱۳۸۴): ایجاد و استقرار مدل چشم‌انداز سازمانی در پرتو چشم‌انداز نظام

جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی. سال

سوم. شماره ۸ و ۹- زمستان ۱۳۸۳ و بهار ۱۳۸۴. صفحه ۵-۲۳

۴. امیری، مجتبی (۱۳۸۴). انقلاب اسلامی؛ چشم‌انداز آرمانی و ابزارهای عقلانی. فصلنامه

دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی سال سوم، شماره ۸ و ۹، زمستان ۸۳ و بهار

۱۳۸۴. صفحه ۹۶-۸۳

۵. فرهی، برزو. درآمدی بر تفکر مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور، نخستین همایش ملی

مهندسی فرهنگی کشور. دی‌ماه ۱۳۸۵.

۶. ناظمی، مهدی (۱۳۸۵). نقشه مهندسی فرهنگی کشور (پیشنهادی)، شورای عالی انقلاب فرهنگی.

نخستین همایش ملی مهندسی فرهنگی کشور. دی‌ماه ۱۳۸۵.

۷. مؤسسه سیمای جوان (۱۳۸۲). نظام جامع توسعه اخلاق اجتماعی (فرهنگ عمومی)، به سفارش شورای

فرهنگ عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۸. ایکاف، راسل ال. (۱۳۸۲). باز آفرینی سازمان: طرحی برای سازمان‌های قرن بیست و یکم. ترجمه:

ناصر شریعتی و همکاران. تهران، سازمان مدیریت صنعتی.

۹. ناظمی، مهدی. (۱۳۸۴). درآمدی بر مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور. دبیرخانه شورای

